

و فرهنگ عصر جدید را شناخت. جنبش رمانتیسم جنبشی اساساً اروپایی است که هرچند در سالهای پایانی قرن هیجدهم شکل گرفته است و قبل از نیمه اول قرن نوزدهم دچار افول شده است، اما تاثیر پایداری بر فرهنگ دوره‌های بعد نهاده است. محققان اروپایی همواره به بررسی ابعاد گوناگون این جنبش اهتمامی خاص داشته‌اند و مرتباً آثار گوناگونی به زبانهای اروپایی در باب این مباحث منتشر می‌شود.

مفهوم رمانتیسیسم در تاریخ ادبی، گرچه نوشته‌ای مختصر و کوتاه است، با در نظر گرفتن فقر منابع فارسی، اثری قابل توجه است. این کتاب، همچنان که مترجم آن اشاره کرده است، بخشی از کتاب مفاهیم نقد رنه ولک است. این اثر اساساً به شیوه‌ای جزئی نگارانه و به منظور موشکافی در جنبه‌های خاصی از مقوله رمانتیسم نوشته شده و فاقد چشم‌اندازی کلی در باب ابعاد مختلف این جنبش است. نوشته ولک شامل دو بحث اصلی است: نیمی از کتاب به بحث در باب کلمه رمانتیسم و رمانتیک به عنوان یک اصطلاح خاص اختصاص دارد و سیر این اصطلاح را در کشورهای اروپایی و به ویژه انگلیس به صورتی تاریخی دنبال می‌کند و سیر تحولات معنایی آنرا نشان می‌دهد. ولک در نیمه دوم کتاب می‌کوشد در پاسخ به نظریات کسانی همچون آرتور لاجوی که قائل به عدم همگونی رمانتیسم در کشورها و دوره‌های مختلف بوده‌اند، بر وحدت و یگانگی رمانتیسم اروپایی تکیه کند. وی برای این کار فرمول خاص خود در باب رمانتیسم ادبی را با تطبیق آن با رمانتیسم کشورهای مختلف اروپایی و چهره‌های برجسته رمانتیک می‌آزماید و از این طریق یگانگی کلی آثار رمانتیک را نشان می‌دهد. از نظر ولک سه شاخه مهم رمانتیسم عبارتند از: نقش خاص تخیل در آثار ادبی، تقی خاص از طبیعت، و نقش خاص نماد و اسطوره در سبک

در ایران بحث از مکتبهای ادبی مغرب‌زمین تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری فرهنگ و ادبیات جدید فارسی در صدر مشروطه بطور پراکنده آغاز شده است. انتشار کتاب مکتبهای ادبی رضا سیدحسینی (سال ۱۳۳۴) نقطه عطفی در سیر تحول این بحث به شمار می‌آید. در سالهای اخیر، علاوه بر چاپ جدید و گسترش یافته این کتاب، نوشته‌های دیگری نیز در این زمینه منتشر شده است و اصولاً شناخت دیدگاههای فکری و ادبی غرب مورد توجه بیشتر و جدی‌تر محققان مترجمان و خوانندگان قرار گرفته است. البته هنوز در این زمینه کارهای انجام نشده فراوانی وجود دارد، ولی بهر حال می‌توان امیدوار بود که با تداوم این فعالیتها به تدریج جامعه فرهنگی ما از مرحله «آشنایی» با این مباحث عبور کند و به مرحله «شناخت» برسد.

در میان مکتبهای «ادبی و فکری» اروپایی مکتب رمانتیسم از اهمیت خاصی برخوردار است. در ایران تصور نسبتاً رایجی وجود دارد که براساس آن این اصطلاح عمدتاً برای دلالت بر آثار ادبی احساساتی و پراشک و آه به کار می‌رود. اما واقعیت این است که رمانتیسم نهضتی جهانی است که علاوه بر جنبه ادبی دارای ابعاد متنوع هنری، فکری و فلسفی، اجتماعی و تاریخی است و از بسیاری جهات سر فصل فرهنگ و اندیشه عصر جدید و ریشه اصلی بسیاری از گرایشها و مکتبهای دو قرن اخیر در سطح جهان به شمار می‌رود. بدون شناخت این نهضت عظیم، نمی‌توان اندیشه

شعری. ترجمه فارسی کتاب، در مجموع، دقیق و روان است. گذشته از غلطهای چاپی نسبتاً زیاد، چند نکته دیگر که در بسیاری از آثار ترجمه شده نیز کم و بیش دیده می‌شود، قابل تامل بیشتری است:

۱- نخستین مسأله‌ای که در نگاه اول برای بسیاری از خوانندگان غیرمعمول به نظر می‌آید، شیوه نگارش و رسم الخط آن است. مترجم اصل را بر جدانویسی کلمات نهاده‌اند و افراط را به جایی رسانده‌اند که واژه‌هایی چون «بهتر» و «همراه» نیز جدا نوشته شده‌اند. خوشبختانه نثر فارسی کتاب دچار چنین گرایش‌های ویرزادگی نیست و تنها در یک مورد فعل «پروا کردن» به گونه‌ای تصنعی و نامتناسب با زبان امروز و نثر رایج کتاب به کار رفته است: «کسی به مقاله ویلر پروا نکرد». ص ۲۱

۲- ضبط اسامی خاص و ترجمه عنوان کتاب‌ها در چند مورد برخلاف شکل مرسوم آنها در زبان فارسی است. اصولاً همچنانکه مترجم این کتاب در مقدمه خود اشاره کرده است، در این گونه موارد باید به شکل‌های مرسوم کلمات در زبان فارسی و علاوه بر آن به خصوصیات آوایی و روح زبان نیز توجه داشت. متأسفانه در سالهای اخیر برخی از مترجمان، از روی دقت و وسواس علمی، سعی می‌کنند تا شکل‌های مرسوم و جاافتاده اسامی خارجی را نیز تغییر دهند تا این کلمات هرچه بیشتر به تلفظ زبان اصلی نزدیک گردد. چه لطفی دارد که سعی کنیم مثلاً به جای «دون کیشوت»، تلفظ اسپانیایی «دون کیکوته» را رواج بدهیم؛ گذشته از این که اصولاً هر زبانی دارای نظام آوایی خاصی است که عامه اهل آن زبان هرچقدر تلاش کنند نمی‌توانند به صورت طبیعی تلفظ اصلی اسامی بیگانه را به زبان آورند. تلفظ اسامی خارجی باید حتی‌الامکان به شکل اصلی خود نزدیک باشد، ولی همانطور که یک فرانسوی یا

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



مفهوم رمانتیسیسم در تاریخ ادبی

رنه ولک

ترجمه مجتبی عبدالله نژاد

مشهد، محقق، ۱۳۷۷

۱۳۸ ص، ۴۵۰۰ ریال

مسعود جعفری

مفهوم

# گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی

نویسنده: دکتر امیرحسین عابدی

گردآوری: دکتر سیدحسین عباس

بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۷

انگلیسی اسامی ای مانند ابن سینا، قرآن، باقری و... را به شکلی متناسب با دستگاه‌آوایی زبان مادری خود تلفظ می‌کند، ما نیز می‌توانیم اسامی اروپایی را به آن گونه‌ای که با خصوصیات عام زبان فارسی هم‌نواپی بیشتری داشته باشد، تلفظ کنیم. البته این نکته نمی‌تواند جواز بی‌اعتنایی کامل به تلفظ اصلی این اسامی باشد. اولین واژه اروپایی که در این کتاب جلب توجه می‌کند، خود کلمه «رمانتیسیسم» است که می‌توانست به صورت «رمانتیسیم» ضبط شود که تلفظ فرانسوی این اصطلاح است و از مدت‌ها پیش در فارسی رایج بوده است. جنبش «خیزش و توفان» (ص ۵۳) از دهها سال قبل در آثاری همچون نقد ادبی استاد زرین کوب و کتابهای دیگر بصورت «طوفان و طغیان» رواج داشته است. تلفظ «سودنبرگ» (ص ۶۹) پیش از این اغلب بصورت «سوندنبرگ» در فارسی ضبط شده است. شکل صحیح «سنانکور» (ص ۲۳) «سناکور» است که قبلاً در آثار فارسی آمده است. «فوسجولو» (ص ۹۶) باید بصورت «فوسکولو» ضبط می‌شد. «ایسکلس» (ص ۹۱) همان «ایسخولوس» یا «ایسخولوس» است که اکنون در زبان فارسی کتاب مستقلی هم در باب او وجود دارد. «یونگ» (ص ۴۷) که اسمی انگلیسی است (با یونگ آلمانی اشتباه نشود) باید به صورت «یانگ» ضبط شود. این اسم قبلاً هم در فارسی به همین صورت اخیر رایج بوده است. عنوان کتاب اشعار ویلیام بلیک به جای «سرودهای سادگی» (ص ۸۹) ظاهراً بصورت «سرودها» یا «آوازهای معصومیت» رساتر و دقیق‌تر است. عنوان کتاب توماس مور همانطور که مترجم در داخل پرانتز ولی با تردید و علامت سوال حدس زده است همان «لالا رخ» است که اسم یک شاهدخت ایرانی است که قهرمان این داستان است و نه «لاله روخ» (ص ۹۳)

۴- مترجمان آثار تحقیقی معمولاً پاورقی‌هایی بر متن ترجمه شده می‌افزایند که غالباً یا معادل خارجی برخی لغات و اصطلاحات ترجمه شده است و یا توضیحی در باب برخی از اسامی و یا اصطلاحات.

کتاب حاضر نیز از هر دو نوع این پاورقی‌ها به شکل افراطی و غیرلازم برخوردار است. با توجه به این که دو واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی در پایان کتاب آمده است اصولاً ذکر معادل اصلی برخی لغات و اصطلاحات در پای صفحه‌ها امری زائد و غیرلازم است. معرفی برخی اعلام خاص و چهره‌ها یا کتابهای کمتر شناخته شده، در مواردی که به فهم متن کمک کند تا حدی مفید و سودمند است ولی معرفی اسم‌هایی همچون شکسپیر (ص ۱۳) و ارسطو (ص ۷۷) برای خواننده چنین کتابهایی اصلاً لازم نیست.

با این همه، کتاب حاضر که نگاه دقیقی است به یکی از جوانب پدیده مهم رمانتیسیم اروپایی، برای خوانندگان ایرانی مغتنم است و از جهت دیگر چون ناشری شهرستانی به نشر آن اقدام کرده است، می‌تواند نویدبخش فعالیتهای پربارتر و جدی‌تر فرهنگی در گوشه و کنار کشور باشد. البته شهرستانی بودن از مسئولیت ناشر در مقابل غلط‌های چاپی کتاب که عمدتاً متوجه ناشر است، نمی‌کاهد.

۳- یکی دو اصطلاح نیز می‌توانست ترجمه دقیق‌تری داشته باشد: در ترجمه domination به جای «حاکم»،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# رمانتیسیسم

شکی نیست که زبان فارسی یکی از شیرین‌ترین زبان‌های دنیاست و ادبیات کلاسیک فارسی دارای تاریخ پرافتخار می‌باشد. هیچ زبانی دیگر این امتیاز را ندارد که مثل زبان فارسی شعرا و نویسندگان بر شمار را به وجود آورده باشد. به علاوه زبان فارسی یکی از محکم‌ترین رشته‌هایی است که هند و ایران را توأم ساخته و اقوام و ملل هر دو کشور را یگانگی و هماهنگی و اتفاق بخشیده است. پژوهش در زمینه زبان و ادبیات فارسی در هندوستان سابقه‌ای دراز دارد. از روزگاری که صنعت چاپ به آن سرزمین وارد شد (حدود دو بیست سال پیش) هم چاپ متون کتابها و رساله‌های فارسی آغاز شد و هم‌آنکه قلمفرسایی در مباحث و مطالب ایران‌شناسی به زبانهای انگلیسی وارد و همچنین به زبان فارسی در نشریه‌ها و مجله‌ها در شهرهایی مانند کلکته، حیدرآباد، بمبئی، دهلی، عکیکره، کانپور و رامپور و دهها شهر دیگر آرام آرام رواج یافت و دانشمندی‌ها مانند شبلی نعمانی و هادی حسن و محمد اسحق و دینشاه ایرانی گامهای استواری در آن راه برداشتند. یکی از دانشمندی‌ها که خدمات فراوانی به گسترش و نشر زبان و ادبیات فارسی در هند کرده است دکتر امیرحسین عابدی است که کتابها و مقاله‌های متعددی در زمینه زبان و ادبیات فارسی نوشته است که اکثرشان در مجله‌های ایران، پاکستان و افغانستان و هندوستان چاپ شده است. به تازگی دکتر سیدحسین عباس نزدیک به چهل مقاله از ایشان را گردآوری کرده که به همت بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار منتشر شده است. این اثر که گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی نام دارد در سه بخش به شرح زیر سامان یافته است: بخش اول: شعر فارسی در نسخه‌های خطی. بخش دوم: پارسی‌سرایان در هند. بخش سوم: ادبیات هندویی در زبان فارسی.

این اثر یکی از منابع دقیق برای شناخت بیشتر زبان و ادبیات فارسی در شبه‌قاره است که دانش‌آموختگان زبان فارسی از آن بی‌نیاز نیستند و امید است که مقاله‌های دیگر استادان زبان و ادب فارسی در هند گردآوری و منتشر شود. □

در یک نگاه

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / اسفند ۱۳۷۷